

تربیت رسانه ای در عصر اطلاعات و چالش های فراروی آن

سید محمد فاطمی

تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۴/۲۱

چکیده

امروزه ابزارهای نوین اطلاعاتی و تلفن همراه و شبکه های اجتماعی جزء جدایی ناپذیر زندگی انسان ها شده است و فضای گفتگویی جدیدی را ایجاد نموده است. اما با تمام ویژگیهای مثبتی که دارد باعث شده است دانش آموزان از تربیت صحیح خانواده و مدرسه بازمانند. باید از فرصت هایی که جهانی شدن پیش روی آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان قرار می دهد، استفاده کرد و برای کاهش آثار منفی آن تدبیری اندیشید تا علاوه بر حفظ میراث فرهنگی و سایر ویژگیهای بومی، ویژگیهای فردی دانش آموزان رشد یابد و هم زمان به شناخت جهان و سایر فرهنگ ها قادر شوند. چون تربیت در عصر اطلاعات به خانواده و مدرسه و اجتماع ختم نمی شود و رسانه ها جایگاه ویژه ای را در زندگی کودکان و نوجوانان باز کرده اند. این مقاله می خواهد تاثیر رسانه ها را در تربیت و زندگی دانش آموزان بررسی نماید تا اثری که آن قدر زیاد است که تربیت خانواده و مدرسه و اجتماع آنها را تحت تاثیر قرار داده است. می توان گفت که امروزه رسانه ها نقش مهمی را در زندگی ها بخصوص برای کودکان ایفا می کنند. رسانه هایی که مفید هستند ولی اثرات مخربی را ایجاد نمی نمایند. تربیتی خانواده و مدرسه را تحت تاثیر قرار می دهد. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی با مطالعه کتب و مقالات مربوط می باشد. از یافته های این تحقیق می توان به اثرات مخرب تربیت رسانه ای در عصر حاضر اشاره کرد و راهکارهایی برای مقابله با این فناوری مانند منع هوشمندانه، محدود کردن، پیگیری، نظارت و انتخاب برنامه های رسانه ای که تبدیل به بحران تربیتی نشود و تربیت خانوادگی را بوسیله گفتگو، نصیحت، الگو بودن، شاد کردن فضای خانواده و رعایت حریم حیا و روابط عاطفی و جنسی تقویت نمود تا تربیت رسانه ای در کنار سایر تربیت ها مانند تربیت خانوادگی و مدرسه ای نقش خود را ایفا نماید.

کلید واژگان: تربیت خانوادگی، تربیت مدرسه ای، تربیت اجتماعی و تربیت رسانه ای.

۱. مقدمه

باید قبول کنیم امروزه در فضایی قرار داریم که تعاملات و خرید و فروش، گفت و گو، سرگرمی و بسیاری از امور بشری در فضای مجازی انجام می شود. فضایی که خواه ناخواه دانش آموزان هم وارد می شوند و به عنوان شهروند باید از این تکنولوژی استفاده کنند. فناوری اطلاعات از جدیدترین فناوری هاست که تقریباً در تمامی عرصه های بشری نفوذ کرده است. نمود آن را می توان در رادیو و تلویزیون، مطبوعات و به طور ویژه در اینترنت دید که خود جهان دیگری برای انسان فراهم آورده اند و از آنها به جهان مجازی، فضای دیجیتال و فضای سایبری یاد می کنند (مظفری پور، ۱۳۹۳: ۱۴). امروزه با دراختیار داشتن فناوری اطلاعاتی و ارتباطی مختلف و پیشرفته، امکان برقراری سریع ارتباط و تبادل سریع اطلاعات بیش از پیش میسر گردیده است. افراد در هر کجا که باشند میتوانند آخرین اطلاعات مورد نیاز خود را در هر زمینه ای دریافت می کنند. عصر تربیت امروز به عصر فرزند سالاری تبدیل شده است. فرزندی که در خانه سن پایینی دارد ولی پدر و مادر با سن بالا را تحت امر و نهدی خود در آورده است. اگر احترامی که در دین اسلام از آن سخن به میان می آید بگوییم برای این نسل یک طرفه شده است. تربیت اول راتربیت خانوادگی می گویند که فرزندان تحت تاثیر فضای خانواده بزرگ می شوند. تربیت دوم تربیت مدرسه ای می گویند که در مدرسه شکل می گیرد که فرزند تحت تاثیر آموزش و پرورش رسمی قرار می گیرد. مدرسه و فضای حاکم بر آن سعی دارد در تربیت نسل و آیندگان جامعه نقش بازی کند و مدت زمان زیادی را از مهد کودک تا دانشگاه را شامل می شود. تربیت سوم در اجتماع شکل می گیرد. کودک باید مهارت های اجتماعی را فرا گیرد چون می خواهد وارد اجتماعی شود که بعدها مستقلانه در آن می خواهد زندگی کند. تربیت چهارم را تربیت رسانه ای می گویند چون بازیگران آن رسانه ها هستند. رسانه های مفید و مخرب که در گذشته نبوده اند و حالا هستند و چه هستنی! بنابراین بازیگران در این عصر که بر زندگی های ما تاثیر می گذارند خانواده، جامعه و شبکه های دوستان و همسالان و رسانه ها هستند.

بنابراین کودک در تحت سیطره تربیت چهار ضلعی خانواده، مدرسه، اجتماع و رسانه ها قرار دارد. می دانید کدام ضلع این چهار ضلعی بزرگتر است؟ بله رسانه ها. رسانه ها در جامعه کنونی رقیب گردن کلفتی در برابر تربیت خانواده و مدرسه و اجتماع خود نمایی می کنند و به عنوان معمار شخصیت کودکان ما میدان داری می کنند. کودکان بیش تر از آنچه که مافکران رامی کردیم و انتظار داشتیم تحت تاثیر تربیت رسانه ای قرار گرفته اند. تربیت رسانه ای شامل انواع بازی های ویدیویی، عکس، فیلم، خبر، تبلیغات، سرگرمی و بازی و... می شود که کودکان را درگیر نموده است. این نوشتار ضمن بیان اهمیت تربیت خانوادگی، مدرسه ای و اجتماعی دانش آموزان می خواهد تربیت رسانه ای را که خانواده هارا سردرگم، مبهور و غافلگیر نموده را توضیح داده و علل ضعف تربیتی در خانواده ها در عصر فناوری و راهکارها و روش های موفق و تاثیر گذار در تربیت خانوادگی را بیان نماید.

۲. بحث

۲.۱. تربیت خانوادگی

خانواده یکی از کوچک ترین و ابتدایی ترین نهادهای مهم اجتماعی است که با سایر نهادهای دیگر اجتماعی ارتباط متقابلی دارد کودکان از نظر زیستی و تربیت روحی و جسمی احتیاج به مراقبت خانواده دارند. کودک در دامن پر مهر مادر پرورش می یابد و با محبت ها و حمایت های پدر مسیر زندگی آینده خویش را می یابد. فرزند در خانواده با هنجارها و شیوه های زندگی آشنا می گردد و خود را برای زندگی در محیطهای اجتماعی بزرگ تر آماده می سازد. در خانواده یادمی گیرند اجتماعی شدن را که فراگردی است که به واسطه آن هرفرد دانش ومهارت های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثروفعال در زندگی گروهی واجتماعی راکسب می کند(مقدم، ۷۵: ۷۹). خانواده اولین سنگری است که باید تقویت شود. پدرومادر بازیگران اول این خانواده باشند و نقش خودراحفظ نمایند. بازگشتی موثرداشته باشند بی خبری و بی خیالی حذف شودوهمت درجهت اعمال تربیت نیکو ایجاد گردد. کانون خانواده اولین مکتبی است که سلامت آن تضمین کننده سعادت جامعه است. از این رو درقرآن پس از تاکید بر تربیت و مراقبت فردی بلافاصله به حفظ و هدایت خانوادگی اشاره می کند. «یاایهاالذین آمنواقوانفسکم واهلیکم نارا» ای کسانی که ایمان آورده این خود و خانواده تان را از آتش دوزخ نگهدارید. « همچنین آن هنگام که برامرگذاردن نمازبه عنوان یک فریضه و کلید رستگاری عنایت می نماید، تاکیدبر توجه دادن خانواده برآن می شود«وامراهلک بالصلوه واصطبرعلیهالانستلک رزقانحن نرزقک والعاقبه للتقوی» «خانواده خودرابه نماز فرمان دهو خوددرآن کارپایداری کن. ازتوروزی نمی خواهیم مابه توروزی می دهیم وعاقبت خیرازآن پرهیزگاران است. (امیری، ۱۳۹۱: ۶۹). یکی از ابعاد مهم اجتماعی کردن، گرایش دادن به اخلاق و ارزش های مذهبی است. در هر دوره تاریخی خانواده ها کوشیده اند که قواعد و مقررات اخلاقی مورد قبول جامعه را به فرزندان خود منتقل کنند. هر کودکی دین و مذهب و باورهای بنیادین خود را نخستین بار در دامن خانواده فرامی گیرد و آن جاست که بااصول وفروع وبایدونباید های آن آشنا می گردد(تقوی، ۱۳۷۶: ۶۵) در مکتب خانواده به سادگی می توان مفاهیم و مناسک دینی را به فرزندان آموزش داد به گونه ای که هنجارهای دینی برای آنان درونی گردد. والدین از همان آغاز رشد کودک، با ارائه الگوی رفتاری مناسب و جذاب به بهترین وجه می توانند هنجارهای دینی همانند نماز و عفاف و نیز صداقت، نظم، پشتکاری و... را به فرزندان خویش آموزش دهند. بنابراین پرورش در کودکان امروز آن تاثیر همه جانبه راندارد ودر خانواده، مدرسه و اجتماع کم رنگ شده است. صحبت از پرورشی است که خانواده از آن درمانده شده است. مدرسه به سمت آموزش حرکت می کندومی خواهد آینده سازانی چون مهندس و متخصص تحویل جامعه دهد وفضای پرورشی تنگ شده است. وجامعه ای که پرورش آنچنانی در آن دیده نمی شود و بیشترتاکیدبر ظاهرسازیهاست. یعنی فضای پرورشی به نفع آموزشی کم رنگ شده است. بچه ها بی که می خواهند تنهاعمل کنند. وامروزه هویت آنهاارسانه تشکیل می دهد.

۲،۱،۱. علل ضعف تربیتی در خانواده هادرعصر فناوری و اطلاعات

۲،۱،۱،۱. کم رنگ شدن گفتگوهای والدین با کودکان

گفتگوی والدین با والدین و والدین و کودکان در جامعه کنونی کم شده است. تعامل کودک با پدر که در گذشته به ساعتها می رسید به چند دقیقه و یا ثانیه تبدیل شده است. برعکس تعامل و گفتگو با رسانه های جدید مانند تبلت، موبایل، تلویزیون، سی دی، اینترنت زیاد شده است. بدانیم تربیت بدون صرف وقت ممکن نیست.

۲،۱،۱،۲. کم رنگ شدن نظارت والدین بردوست یابی

دوست یابی در عصر اطلاعات باراهنمایی و دقت والدین انجام نمی شود. و بیشتر دوستان رسانه ای پیدامی شوند. اول همکاری و کار با ابزار رسانه و کم کم دوستان رسانه ای زیاد می شوند. پس برای تغییر رفتار نیازمند برنامه هستیم و کودکان هم برای عادت به مقررات تعیین شده فرصت می خواهند.

۲،۱،۱،۳. استقبال کم کودکان از سخنان و نصیحتهای والدین

استقبال از سخنان والدین در گذشته در مورد تفریح، سرگرمی و خوراکی زیادتر از زمان فعلی بوده است. ولی در این زمان سخنان والدین در مورد تربیت برای کودکان جایگاهی ندارد. چگونگی صحبت با کودکان مهم است. امرانه نباشد و به گونه ای که احساس شرمندگی نکنند. باید تصور کنند که والدینشان نیاز به همکاری دارند. نصیحتهای والدین در زمانه حاضر برای کودکان جایگاهی ندارد. کودکان و نوجوانان امروز بیشتر می خواهند از همسالان و رسانه های که درگیر آن هستند نصیحت بشنوند تا از پدر و مادر.

۲،۱،۱،۴. نبودن فضای قصه گویی در خانواده ها

شب نشینی ها، قصه گویی های قدیم با بر خورد به جامعه کنونی دگرگون شده است. هر چند اعضاء خانواده دور هم هستند ولی درگیر رسانه هایی مانند شبکه وای فای، ایستگرام، بازیهای فضای مجازی و... هستند. قصه گویی خیلی ضعیف شده است. قصه هایی که بزرگان تعریف می کردند و همه سراپا گوش می دادند. قصه هایی که نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت دارند و از طریق آن ارزشهای اخلاقی مانند پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، حق جویی و استقلال رامی آموزند.

۲،۱،۱،۵. کم بودن سواد رسانه ای والدین

رسانه ها ما را به گونه ای تربیت می کنند تا زندگی خود را بر اساس زمان پخش برنامه های آنها تنظیم کنیم. کسانی که مهارت سواد رسانه ای خود را توسعه ندهند، گرفتار جزر و مد پیام های رسانه ای می شوند. بنابراین هدف از سواد رسانه ای این است که به افراد نشان دهیم چگونه اوضاع را از رسانه ها گرفته و به خود بازگردانند. اولین گام در انتقال کنترل از رسانه به مخاطب این است که بدانیم رسانه ها چگونه ذهنیت ما را برنامه ریزی می کنند. این برنامه ریزی توسط رسانه ها و به طور مداوم در دو مرحله چرخشی رخ می دهد و بارها و بارها تکرار می شود. یکی از این مراحل، محدود کردن انتخاب ها و مرحله بعدی، تقویت و تحکیم تجربه است. از طرفی دیگر مرز بین دنیای واقعی ما و جهان

رسانه و تمایز این دو از هم به طور فزاینده ای سخت می شود. رسانه ها برای ورود ما به دنیایشان منتظر نمی مانند، در عوض پیام های خود را به دنیای ما تحمیل می کنند. از آنجا که بخش اعظمی از مواجهه ما با پیام های رسانه توسط خودمان برنامه ریزی نمی شود، متوجه نمی شویم تا چه حد در معرض پیام های رسانه ای قرار می گیریم. هدف سواد رسانه ای آگاهانه در معرض رسانه ها قرار گرفتن است. در فرهنگ عمومی ما و رفتار اجتماعی مان هم متأسفانه شکل صحیحی از مصرف کالاهای فرهنگی دیده نمی شود که بتوان تا حدی به پرهیز از خطرهای آسیب های موجود دل خوش کرد و نهادهای مسئول به جای آموزش دادن خانواده ها برای مقابله با تهدید رسانه های جدید و اطلاع رسانی شفاف در جهت تربیت مخاطب فعال ترجیح می دهند صورت مساله را پاک کنند و در نتیجه حکایت " مرا به خیر تو امید نیست ، شر مرسان ! " می شود. در نتیجه اگر در وانفسای دو سه شیفت کار کردن پدر و مادر برای پرداخت قسط وام و اجاره خانه و تأمین هزینه های زندگی چیزی از فکر و ذکر باقی مانده باشد ناچار می شوند به جای انتظار تربیت از رسانه تمام فکر و ذکرشان را به مراقبت از آسیب هایش معطوف کنند .

۲،۱،۲. فراموشی روشهای تربیتی مفید مورد تاکید اسلام در عصر فناوری و اطلاعات

۲،۱،۲،۱. روش الگویی

چون یکی از گرایشهای انسان حس تقلید می باشد و استفاده از فناوری هم با تقلید شروع می شود از ویژگیهای مکتب اسلام وجود الگوهای برجسته ای مانند رسول گرامی اسلام است که اسوه حسنه معرفی شده است و آشنایی با الگوهای برجسته و کامل اخلاق و بهره گیری از نکاتی که به تناسب شرایط سنی، زمانی، مکانی و... در اقدام به تربیت اخلاقی راهگشا است. امام علی (ع) می فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار می داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد...» (حکمت ۷۳ نهج البلاغه) با توجه به این سخن شایسته است والدین و بزرگترها در زمینه استفاده از فناوری در محیط خانواده حواس خود را جمع نمایند کاری را خود انجام می دهند و به افراد دیگر آن رانهی می کنند که این کار تاثیر ندارد. و از نتایج روش الگویی این است که قبل از اصلاح دیگران خود را اصلاح نماییم. اگر در خانواده یا مدرسه به استفاده محدود از فناوری توصیه می کنیم اول خود عمل کنیم چون کسی که خود صالح نباشد چگونه می خواهد دیگران را اصلاح کند.

۲،۱،۲،۲. روش امر و نهی

امام محمد باقر (ع) در معرفی امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: « امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خدای باشد هر کس آنها را یاری کند او را عزیز می گرداند و هر کس آن دو را خوار و ذلیل کند خدا او را ذلیل خواهد کرد. (وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۳۹۸). این اصل به عنوان یک ضرورت مهم در تربیت اجتماعی نقش ارشادی و هدایتی مهمی را بر عهده دارد. به طور طبیعی انسانها ارشاد را بهتر از دستور و فرمان دادن می پذیرند. وقتی این اصل به عنوان یک وظیفه تلقی شود در بعد فردی و اجتماعی ایجاد انگیزه می نماید (امیری، ۱۳۹۱: ۹۰). در خصوص استفاده زیاد از حد از فناوری

در محیط خانه و مدرسه، اولیا و مربیان با امر به معروف و نهی از منکر البته با تاکید بر تربیت و سازندگی بایبدا سازی عقل و فطرت و اصلاح تدریجی، تشویق به مطالعه، تقویت حس اعتماد به نفس و روح بندگی و اطاعت خداوند، پرکردن اوقات فراغت با فعالیتهای سازنده این مشکل را برطرف نمایند.

۲،۱،۲،۳. روش موعظه و نصیحت

هیچ فردی از موعظه بی نیاز نیست. ممکن است از تعلیم شخص دیگری نیاز باشد. چون پند و موعظه در مخاطب لجاجت و مقاومت ایجاد می نماید و مانع تربیت می شود. عده ای از آن سرباز می زنند. البته موعظه مورد نظر قرآن موعظه حسنه است. خداوند می فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (ای پیغمبر) مردم را با موعظه حسنه به راه خداوند دعوت کن. (نحل: ۱۲۵) موعظه حسنه از پیام های تربیتی و هدایتی قرآن برای اصلاح و ساختن انسانهاست چون غفلت را از بین می برد. جایگاه نصیحت در جامعه امروزی و عصر اطلاعات و ارتباطات کم رنگ تر شده است. والدین، معلم، بزرگترهای فامیل و دوستان و آشنایان با نصیحت که از نشانه های دوستی خالصانه است می توانند استفاده درست از فناوری های رسانه ای را در محیط زندگی آموزش دهند و هدایت نمایند. هر چند در این راه باید از داوری شتابزده، سختگیری و شدت عمل، خودداری نمود و قوه تشخیص و تمیز فرد را در نظر گرفت. استدلال، لحن نیکو، گشاده رویی، مدارا و نصیحت در این راه از نکات قابل توجه است.

۲،۱،۲،۴. روش صمت و سکوت

امام علی (ع) می فرماید: «هیچ انسانی چیزی را در درون خود پنهان نمی کند مگر اینکه در سخنانی که از دهان او می پرد یا آثاری که در چهره و قیافه او منعکس می گردد، آشکار می شود» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، حکمت ۲۶). از روش صمت و سکوت و خردورزی نتیجه می گیریم که شخصیت انسان در زیر زبانش نهفته است و شخصیت هر فرد معرف میزان عقل اوست. و مانع شیوع صفات زشتی چون غیبت، سخن چینی، نفاق، دروغ گویی، تهمت زدن، شهادت باطل و خودستایی می گردد. صمت و خردورزی موجب مصونیت آدمی از سخریه و استهزای دیگران می گردد. بدزبانی و دشنام، شوخیهای نامناسب، آزدن دیگران از صفات و ویژگیهای ناپسند زبان است. از روشهای کنترل افراد در عصر فناوری استفاده از روش صمت و خردورزی است که موجب ایمنی انسان از این صفات نکوهیده می گردد.

۲،۱،۲،۵. استفاده از معجزه محبت

از بهترین روشهای تربیتی در اسلام است. هدف محبت تامین سلامت و بهداشت روانی انسان در دنیا و آخرت است. محبت موجب ایجاد و تحکیم روابط انسانی می گردد. و بهداشت و سلامت روانی جامعه را تضمین می کند محبت در کانون خانواده موجب بقای نسل می گردد.

۲،۱،۳. اجرای راهکارهای موفق و تاثیرگذار در تربیت خانوادگی در عصر فناوری اطلاعات

۲،۱،۳،۱. شاد کردن فرزندان

فضای خانواده ها به علت درگیری والدین به فعالیتهای اقتصادی فضای شادی نیست و والدین گرفتار وسردرگم کارشان هستند و کار مادران شاغل در خانواده ها هم مشکل را دوچندان نموده است. وقتی برای باهم بودن و خندیدن و یکدیگر را شاد کردن نموده است. پدر و مادر مانند گذشته انرژی به فرزندان نمی دهند و بابتی حوصلگی می خواهند این انرژی مانده آنها را هم سرکوب نمایند.

۲،۱،۳،۲. استفاده از زبان کودکی

چون سروکارت با کودک افتاد باید زبان کودکی بگشاییم و ما آن زبان کودکی را فراموش کرده ایم. زبان تحقیر و توهین داریم که زود از کوره در می رویم و عصبانی می شویم و همه چیز خراب می شود. و تربیت خانوادگی کم می آورد و تربیت رسانه قوت می گیرد. پیامبر مهربان ما کودکان را بردوش خود سواری کرد. سجده را طولانی می نمود تا کودکان از روی کمر او پایین بیایند. این درسها را فراموش کرده ایم. چرا به نبی مکرم اسلام تاسی نکنیم؟ والدین برای هدایت کودکان باید صبور باشند و تحت هیچ شرایطی ارتباط خود را با آنان قطع نکرده، با نظارت بر رفتارهای فرزندان خود، حد کار، استراحت و عبادت را که مورد سفارش معصومین ماست رعایت نمایند. والدین رفیق دوران کودکی بچه هانیستند و آنها راه خود را می روند و پدر و مادر هم کار خود را می کنند.

۲،۱،۳،۳. رعایت ادب و حیا در خانواده

بچه های امروزی می بینند آنچه بزرگترهای می بینند و می بینند آنچه بزرگترها از آن خبر ندارند. این بچه ها از چیزهایی آگاهی دارند که بزرگترها باید بدانند. نقش مشاوره بزرگترها کارایی ندارد. آنها می خواهند خودشان اطلاعات را پیدا کنند و از رسانه ها بگیرند. بزرگترهایی که درگیر فعالیتهای اقتصادی اند و از می خواهند از قافله عقب نبفتند. بنابراین تربیت رسانه ای باعث شده است بچه ها خانواده را بچرخانند و نقش پدر و مادر و آن اخلاق نیکو، آن محبت فراموش شود. تربیت رسانه ای می تواند مخرب باشد اگر به حیا و ادب این نسل آسیب وارد نماید. کودکان امروز حیا و ادب را فراموش کرده اند آن احساس شرم و حیا از بین رفته است. پررویی بی حد و مرزی را نشان می دهند که مردم در اجتماع، معلمان در مدرسه، پدر و مادر در خانه نگرانند.

۲،۱،۳،۴. رعایت حریم مسایل جنسی

یکی از تاثیرات مخرب رسانه ها اطلاعات و اخبار و تصاویر و فیلم های مسایل جنسی است. جای تاسف است که شهوت پرستی و نمایش آن به صورت عادت و تکرار در می آید. یعنی گناه کردن و پرده دری آن که گناهی بزرگتر است قبح آن ریخته شده است. نسل بی حیایی که درست حرف زدن و احترام والدین را فراموش کرده اند و این ادب و احترام در خانواده ها و جامعه و مدرسه جایی ندارد. آداب اجتماعی محترم شمرده نمی شود. و اعتبار خود را از دست داده است.

۲،۱،۳،۵. اهمیت به موقع خواب کودکان

بچه های عصر رسانه بچه هایی هستند که دیرمی خوابند! باید بررسی کرد. خواب آنها کم شده است! حواس پرت هستند! نظم در زندگی آنها وجود ندارد! فراموشکار شده اند! فناوریهای جدید نظم خواب کودکان را برهم زده است و باین کار سلامتی آنها به خطر می افتد.

۲،۱،۳،۶. ارتباطات صحیح اعضاء

خانواده بی خاصیت خانواده ای است که در کنار هم زندگی می کنند ولی کنش و واکنشی برهم ندارند. حرفهای آنها برای هم خریدار ندارد. در کنار هم اندولی بدون نقش اندواز مسولیتی که دارند فرار می کنند والدینی که دست بسته بی تفاوت از مسایل فرزند خود می گذرند و آنها را پرورتر می کنند. سوال اینجا است امروزه چرا سخن پدر و مادر برای فرزندان در جهت ارشاد آنها بخصوص در استفاده از فضای مجازی و رسانه ای خریدار ندارد و در گذشته همین سخن برای فرزندان سند بود؟ همچنین والدین میتوانند فرصت بازی را با همسالان برای کودک فراهم کنند و یا با کودکان خود بازی کرده و به رشد مهارت های لازم برای بازی با همسالان به فرزندشان کمک کنند. همچنین والدین می توانند فرصت بازی با همسالان به فرزندشان کمک کنند.

۲،۱،۳،۷. برنامه ریزی اوقات فراغت

والدین بهتر است با برنامه ریزی و نظارت بر اوقات فراغت فرزندان خود راهنمایی کنند تا به استفاده بیش از اندازه و درگیر شدن آنها با فضای مجازی منجر نشود. تشویق نوجوانان به امر ورزش و در اختیار قرار دادن امکانات بیشتر برای ورزش مفید می باشد. والدین در خصوص بعضی رفتارهای مشکوک کودکان هشیار باشند. وقتی آنها دیرتر از حد معمول به خانه برمی گردند و باور و دامنه اتاق رایانه را خاموش کرده و در مقابل سوالات ماجوابهای بی ربط و سربالا می دهند.

۲،۱،۳،۸. اخلاق نیک و پسندیده

اخلاق در سعادت و زندگی دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی انسان ها تاثیر فراوانی دارد و به همین دلیل، تربیت های اخلاقی باید در راس برنامه های تربیتی باشند. البته تربیت اخلاق نیک و مبارزه با ناهنجاریهای اخلاقی کار آسانی نیست بلکه کاری است ظریف و فنی و دشوار و توفیق در آن نیاز به همکاری و جدیت دانشمندان علوم اخلاق و تعلیم و تربیت از یک سو و اولیا و مربیان از سوی دیگر دارد (امیری، ۱۳۹۱: ۲۴). در حدیثی از امیرالمومنین (ع) می خوانیم: «الخلق المحمود من ثمار العقل، الخلق المذموم من ثمار العقل؛ اخلاق خوب از میوه های عقل است و اخلاق بد از میوه های نادانی است.» (غرر الحکم، ۱-۱۲۸۰). یکی از عوامل محبت آفرین، تبسم و خوش رویی است. دلیل کارنگی می گوید: تبسم، اشعه آفتاب است برای افسردگان و بهترین پادزهر طبیعی است برای ناراحتی. امیرالمومنین می فرماید: «خوش رویی ریسمان مودت است.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵). بهتر است والدین برای راهنمایی کودکان در استفاده صحیح از فناوری اخلاق نیک و پسندیده را فراموش ننمایند. چون زیاده روی در انتقاد و سرزنش عواقب بدی به همراه دارد هر چند محبت زیاد از حد مانند پاسخ به نیازهای فرزندان همانند خرید کلیه وسایل فناوری روز برای آنها هم آسیب زاست.

۲،۱،۳،۹. تقویت ایمان و اعتقادات

اولیا با تقویت ایمان و باور فرزندان خود به خداوند و روز قیامت و شرکت در مراسم های مذهبی و امور خیریه از استفاده بیش از حد فرزندان از تلفن همراه، بازی کامپیوتری، اینترنت و.. جلوگیری نمایند. سست شدن باورهای مذهبی و عدم پایبندی به تعهدات اخلاقی و فراموشی خدا در زندگی از عواملی است که سلامت و استحکام خانواده را تهدید می کند. که در این بین کودکان را نباید فراموش نمود. بنابراین در اجرای راهکارهای موفق و تاثیرگذار تربیت خانوادگی بهتر است:

۱. بر آموزش خانواده و مدرسه تاکید شود. ۲. جایگاه والدین در خانواده حفظ شود. ۳. جایگاه والدین بالاتر رود. ۴. نفوذ والدین قوی تر شود. ۵. دیوار جدایی والدین و فرزندان از بین برداشته شود. ۶. اگر تربیت پدر و مادر حذف گردد بچه ها بار سانه تنهایی مانند تربیت رسانه ای رشد می کند. ۷. نگرش خانواده هابراسان گیری فرزندان در استفاده از رسانه هاست که باید تغییر یابد. چون خود خانواده ها به این نتیجه رسیده اند که توان رقابت با رسانه ها را ندارند و خودشان هم رسانه ای شده اند. ۸. بین الگوهای خانه و مدرسه (والدین و معلم) نباید تضادی حاصل شود. با استحکام پیوند خانه و مدرسه این تضادها باید از بین برود. شرکت در کلاس اعتقادی نباید توسط والدین منع شود.

۲،۱،۳،۱۰. انتخاب سبک زندگی مناسب

سبک مناسب زندگی در عصر فناوری با استفاده از راهکارهای زیر امکان پذیر است: ۱- دوری از اعتیاد رسانه ای ۲- نقش ماهواره ۳- دوری از شیوه های نادرست ۴- تحریم نادرست ۵- افزایش روابط سالم خانواده. و در مجموع نه خانواده سخت گیر و نه آسان گیر باشیم. خانواده متعادل و دموکراتیکی که روابط براساس گفتگوی صادقانه، احترام، محبت، گوش دادن با علاقه به سخنان یکدیگر و صداقت باشد.

۲،۲. تربیت اجتماعی

نظام آموزش و پرورش یکی از اجزای مهم کل نظام و جامعه تلقی می شود که کارکردی اساسی را برای بقای نظام اجتماعی انجام می دهد. از جمله این کارکردها انتقال فرهنگ، جامعه پذیری، انسجام اجتماعی و... می باشد. اجتماعی شدن به معنای هم سازی و هم نوایی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی است که هر فرد دانش و مهارت های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب کند و از ابعاد مهم اجتماعی کردن، گرایش دادن فرزندان به اخلاق و ارزش های مذهبی است. چون انسان موجودی اجتماعی است و در قرآن کریم آمده است. «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم؛ ما شمار از زن و مرد آفریدیم به صورت قبایل در آورده ایم برای این که یکدیگر را بشناسید و گرامی ترین فرد نزد خداوند پرهیز کارترین فرد است.» بنابراین می بینید که چطور بعد اجتماعی مطرح شده است. بدون شک اسلام تنها دینی است که با صراحت پایه ی بنای دعوت خود را روی اجتماع گذاشته و در هیچ یک از شئون خود امر اجتماع را به اهمال واگذار نکرده است. مهارت اجتماعی به مجموعه رفتارهای فرا گرفته قابل قبولی گفته می شود که فرد را قادر میسازد با دیگران رابطه مؤثر داشته و از عکس العمل های نا معقول اجتماعی خودداری کند. (گرشام و الیوت ۱۹۸۴). تربیت اجتماعی، روشی

برای بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان است. آموزش مهارت اجتماعی بر پایه این اصل قرار دارد که مشکلات کودکان در مهارت های اجتماعی غالباً به این دلیل است که کودکان نمی دانند در موقعیت های اجتماعی چه کار کنند و می توان کودکان را برای غلبه بر این مشکلات آموزش داد. همچنین رشد مهارت های اجتماعی کودکان با سبک فرزند پروری والدین مرتبط است. سبک های فرزند پروری والدین را میتوان در امتداد دو پیوستار تعریف کرد: صمیمیت (خونگرمی) یا پاسخ دهی از سوی والدین و کنترل یا سخت گیری از سوی والدین (بوویند، ۱۹۹۱) نقش همسالان در سنین و دوره های مختلف زندگی و در محل های مختلف مانند خانواده، مدرسه و اجتماع تأثیر دارد. همسالان با تأثیرپذیری ی که دارند می توانند نقش پدر در خانواده و معلم در مدرسه را جابجا نمایند. می توانند تضاد الگو بوجود آورند. تربیت رسانه ای هم شاخه ای از آن به همسالان ارتباط پیدامی کند. آگاهی و هوشیاری و جهت دهی با پرکردن وقت کودکان و نوجوانان در کنار همسالان بوجود می آید. اگر تأثیر همسالان در عصر اطلاعات و ارتباطات در کنار استفاده صحیح از فناوری صورت گیر مفید واقع می شود.

۲.۳. تربیت رسانه ای

امروزه فن آوری اطلاعات دارای آن چنان پتانسیل حضور در عرصه های مختلف بشر است که بدن تردیدمی توان آن را نماد یک تمدن جدید یا ظهور یک موج تمدنی جدید دانست (فرج اللهی، زارع، هرمزی و همکاران، ۱۳۹۰). اگر بخواهیم فرزندانمان مانند ما نباشند یا بهتر از ما باشند باید برای تربیت آنان برنامه ریزی و اهتمام کنیم. انتقال ارزشهای رفتاری و هنجارهای اجتماعی و باورهای دینی و التزامات اخلاقی از نسلی به نسل دیگر خواه در محیط خانواده و خواه در مدرسه و سطح جامعه از طریق تربیت صورت می گیرد و در چنین بستری است که فرزندانمان سبک ها و مهارت های زندگی را فرا می گیرند. فارغ از موضع سیاسی و باورهای اعتقادی و سطح اقتصادی زندگی مان اگر بخواهیم آینده کشورمان از امروز بهتر باشد باید به تربیت فرزندانمان جدی تر از این بیندیشیم و غیر از تربیت مهم مدرسه ای به تربیت رسانه ای که به شکل مدرن و ظاهراً نامنظم از طریق رسانه ها صورت می پذیرد توجه کنیم. کارکرد «تربیت رسانه ای» انتقال ارزشهای اجتماعی و هنجارها و سبک زندگی است. امروزه برای تربیت فرزندانمان در هر دو عرصه آموزش و رسانه مشکلات و گرفتاری های فراوان داریم. اگر دانش و مهارت درستی در مدارس آموزش داده نشود رسانه ها هم نقش خود را به خوبی ایفا نکنند و دانش آموزان خود درگیر فضای رسانه ای شوند از تربیت درست بهره ای نمی برند. تربیت آموزشی در مدرسه و تربیت رسانه ای است که باید فرزندانمان را به مطالعه ترغیب کند، باور به ارزش دانش و معرفت را در دل و جان آنها استقرار بخشد، آنها را برای تحمل مخالف آماده سازد، رفتارهای صحیح فردی و اجتماعی را به آنها آموزش دهد، قدرت کنترل خشم و غرایز جسمی را در آنها تقویت کند، عادت تعقل و تفکر را در آنها ایجاد نماید و آنها را برای تحمل سختی ها و ناکامی ها توانمند سازد. آموزش در مدارس باید آنچنان آگاهی ایجاد نماید تا مسیر استفاده از رسانه ها را هم

در دست بگیرد و دانش آموزان هدایت کند که وضعیت امروز جامعه ورود انواع رسانه ها مخصوصاً تلویزیون و تلفن همراه باعث کاهش کنش و واکنش افراد خانواده بایکدیگر نشود.

۲،۳،۱. روشهای هدایت درست تربیت رسانه ای در عصر فناوری اطلاعات

۲،۳،۱،۱. محدود کردن رسانه ها

راهکار خیلی سخت است چون جامعه با آن عجین شده است. بهتر است به سمت صیانت برویم. دوستی و نظارت و ارتباط صحیح با فرزندان با محبت و نزدیک شدن به آنها که آنها با والدین راحت باشند و حرف دل خود را با آنها در میان بگذارند می تواند راه چاره باشد.

۲،۳،۱،۲. پیگیری و دقت در محتوای برنامه های رسانه ای

فضای رسانه ای حاکم طوری باشد که والدین در کنار فرزندان بنشینند و گفتگو نمایند. مربیان باید آموزش لازم را ایجاد نمایند یعنی نوعی بصیرت بخشی و سواد رسانه ای ایجاد نمایند. معلمان در آگاه نمودن دانش آموزان و والدین در تهیه و تدارک وسایل و تجهیزات مورد نیاز فرزندان علاقه نشان داده و حامی باشند.

۲،۳،۱،۳. منع هوشمندانه

با بهانه ای مورد قبول از ورود رسانه های مخرب به خانه جلوگیری کنیم. با دلیل به هر سینهمایی برای دیدن هر فیلمی اجازه داده نشود. پیش بینی برنامه مفرح دیگری را در دستور کار قرار گیرد. عاداتهای رسانه ای را کم کنیم و عاداتهای جایگزین نماییم. کتابخوانی را جایگزین نماییم. منع نامحسوس و هوشمندانه می خواهد. بدانیم که هیچ چیز جای محبت پدر و مادر را نمی گیرد. کنار بچه ها بنشینیم و آنها را تنها نماندیم. می توانیم گزینش کنیم. مطالعه کنیم. مشورت نماییم و در نهایت مدرا از زندگی ها دور کنیم و به فکر تقویت نهاد مدرسه باشیم تا بارسنگین تربیت را آنها هم به دوش بکشند و می کشند اگر حمایت شوند. والدین بهتر است از بد رفتاری، خشونت، تحقیر و تبعیض نسبت به فرزندان خودداری نمایند.

۲،۳،۱،۴. افزایش سواد رسانه ای

سواد رسانه ای کسب مهارت های ضروری و لازمی است که باید در استفاده از تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات داشته باشیم. تا این محیط پیچیده ما را سردرگم ننماید. چون باید کنترل بیشتری نسبت به رسانه ها داشته باشیم تا تاثیرات مثبت آن را تقویت نموده و از تاثیرات منفی آن بکاهیم. و برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه ها و در عین حال به وجود آمدن نگاهی دقیق، نقاد و تحلیلی به پیام های رسانه ای در مخاطبان می باشد. با سواد رسانه ای می توان انواع رسانه ها و انواع تولیدات آن ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد و از حالت انفعالی و مصرفی صرف خارج شد و به محیط فعالانه ای وارد شد که در نهایت به نفع خود آنان باشد. یعنی سواد رسانه ای کمک می کند تا از سفره ای رسانه ها به گونه ای هوشمندانه و مفید بهره مند شد.

۲،۳،۱،۵. آموزش

یادگیری تنها بصورت حضوری انجام نمی گیرد یادگیری های مبتنی بر فناوریهای نوین اطلاعاتی، با ایجاد تغییرات بنیادین در مفاهیم آموزش سنتی، توانسته است بسیاری از ناکارآمدیهای نظامهای آموزشی را رفع کرده و دگرگونی های اساسی را در آموزش به وجود آورد. با استفاده از دنیای مجازی در یادگیری، می توان به روشهای نوین و کارآمدی از یادگیری دست یافت. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، نوع جدیدی از یادگیری بهتروسریعتر را به وجود آورد، به طوریکه یادگیری تنها به صورت حضوری انجام نمی شود. زیاد ضرورتی ندارد که یادگیری حضوری و رودر رو باشد و انتظار می رود که یادگیری در محیط هایی غیر از کلاس، امکان پذیر باشد. از طرفی باید توجه داشت که به وجود آمدن نیازهای گسترده و جدید در میان جوامع با ادامه استفاده از روشهای سنتی نظام آموزشی قابل تامین نیست. یادگیری مبتنی بر رایانه، یادگیری مبتنی بر فناوری اطلاعاتی، کلاس مجازی، کتابخانه های مجازی و ... را گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، باعث تغییر چگونگی، چه کسی، کجا، چه وقت و چرایی یادگیری ها شده است. اختراع رایانه و اینترنت، نه تنها سرعت انتقال دانش را بالا برد، بلکه روش انتقال دانش را نیز از فردی به فرد دیگر تغییر داد. بنابراین یکی از هدفهای آموزش مدرسه ای هدایت درست استفاده از رسانه ها در زندگی دانش آموزان است.

۲،۳،۱،۶. جامعه پذیری

یکی از یکی از وظایف و کارکردهای آموزش و پرورش جامعه پذیری است لذا امکانیزم هایی که لازمه شکل گیری یک ارتباط منسجم اجتماعی اعم از ارتباط با همسالان، دوستان، والدین معلمان، اقوام، بزرگترها و افراد جامعه است باید در دستور کار جدی آموزش و پرورش از طریق بکارگیری شبکه های اجتماعی قرار بگیرد. (جدایی، هفته نامه نگاه، ۱۳۹۵).

۲،۳،۱،۷. فرهنگ سازی

رائه الگوهای فرهنگی و رفتاری اصیل ایرانی جهت مقابله با تهاجم فرهنگی از طریق رسانه های جمعی امکان پذیر است. مقابله با فقر، بیکاری از راههایی است که نوجوانان وقت خود را بیهوده صرف گذراندن با رسانه ها می کنند. همچنین صحبت کردن با کودکان درباره ی روابط آن ها با همسالان باعث ارتقای مهارت های اجتماعی آنان می شود.

۲،۳،۱،۸. دیدگاه متخصصان

اگر متخصصان آموزشی به جای اینکه فناوریهای امروز و فردا را خطرو تهدید بدانند آنها را ابزاری قدرتمند برای یادگیری و زندگی تلقی کنند، می توانند با انتخاب عاقلانه، چگونگی استفاده از فناوریها را از عملکردهای امروزی به عملکردهای مبتکرانه فردا تبدیل کنند (ذوفن، ۱۳۸۶: ۶۲). بنابراین آموزش رسانه ای اولیا و مربیان یک ضرورت است که رسانه ها را در جهت خلاقیت و نوآوری و کسب اطلاعات، بازاریابی، آموزش و کسب اطلاعات و مهارتهای زندگی فرزندان بکار برند.

۲،۳،۱،۹. تضاد الگوها

فرزند در محیط خانواده با مجموعه ای از عقاید، ارزش ها، سلیقه ها، آرمان ها و هنجارهای پدر و مادر آشنا می شود و در اثر تکرار آن ها در خانواده، آن ها را درونی می سازد. البته فرزندان اغلب الگوهای رفتاری والدین را به دلیل این که ظهور و بروز بیش تری از عقاید و جهان بینی و نوع نگرش ها دارد مورد توجه قرار می دهند. پدر و مادر اولین و نزدیک ترین الگوهای تربیتی عینی فرزندان خویش می باشند. فقدان هماهنگی میان آنان در ارائه الگوی یگانه تربیتی می تواند موجب بروز تضادها و تنش های تربیتی گردد و در نتیجه فرزند در انتخاب یکی از دو الگوی ارائه شده دچار تعارض و سردرگمی می شود. دومین نوع تضاد الگوی تربیتی را می توان در اثر فقدان هماهنگی میان الگوهای ارائه شده از محیط خانواده و الگوهای ترویج شده از سوی نهاد مدرسه، مشاهده نمود. سومین تضاد آن که گاه والدین می خواهند شیوه ها و روش هایی را که به نسل ها و مقتضیات زمان دیگری تعلق دارد به اجبار به فرزندان خویش تحمیل نمایند، در حالی که فرزندان به دلیل تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی به دنبال خواست ها و مطالبات دیگر می باشند. کینگسلی دیویس به این نکته مهم اشاره کرده که والدین در تلاش برای اجتماعی کردن کودک سعی دارند محتواهای کهن فرهنگی را به او بیاموزند و فراموش می کنند که از دوران کودکی آنان تاکنون زندگی عمیقاً دگرگون شده است. . . والدین در تلاش برای اجتماعی کردن کودک با شیوه ها و نهادهای مشخص جامعه ظاهراً فراموش می کنند که آنچه برای خودشان نهادی شده است برای جوانان بسیار انتقاد برانگیز یا بیزارکننده است (سرمد، ۱۳۷۳: ۱۸۰۹). برای گشودن چنین گره ای می بایست والدین ارزش ها و نگرش ها و اعتقادات اصیل را باروش های جدیدونوین توام نموده تا بتوانند نسل جدید را با آموزه های گذشته آشنا نمایند.

۱۰،۱،۲،۳. انزوای اجتماعی

یکی از آسیب های جدی که فناوری روی کودکان می گذارد تاثیر تبلت، اینترنت، بازی چندساعته آنها در فضای مجازی است که باعث انزوای اجتماعی آنان می شود. راهکار جلوگیری از انزوای اینها را باید بررسی کرد. یکی از این راهکارها انتخاب درست سبک زندگی مناسب توسط والدین می باشد. تا به انزوای اجتماعی کودکان نینجامد. انزوای اجتماعی در دوران کودکی ممکن است عواقب دراز مدت و جدی بر بهداشت روانی فرد در بزرگسالی به جای بگذارد. بنابراین، کمک به افراد طرد شده و منزوی برای غلبه بر این مشکلات، ضروری است. خوشبختانه، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می دهد می توان رفتارهای اجتماعی را، که به روابط فردی مثبت با دیگران کمک می کنند، آموزش داد. این آموزش می تواند تاثیرات پابرجایی داشته باشد (هیکسون ۱۹۹۰، لویت ۱۹۹۱).

۲،۳،۲. رعایت اصول مهم هدایت کودکان در عصر فناوری توسط والدین

۱،۲،۳،۲. پیشگیری

برای پیشگیری از این موضوع بهتر است تفاهم نامه ای قبل از خرید وسایل تهیه کرده و فرزندان را آگاه نمود تا قانون محوری در محیط خانه اجرا شود. چون آموزش واگامی سداول پیشگیری است. یکی از راههای پیشگیری از غرق شدن در این سیل بحرانی آموزش است نه آموزش ناصحیحی مانند سرزنش و سرکوفت، عصبانیت و تندی مزاجی که آنها چون برخلاف میل ما عمل نموده اند باید تنبیه شوند. با تقویت روابط اجتماعی می توان به کودکان آموخت که استفاده از رسانه ها فرع هستند و نباید به مرور آنها در زندگی ها اصل واقع شوند.

۲،۳،۲،۲ مدیریت

زمان و مکان، ابزار، محتوا، نوع فیلم و متن و تصویر دانلود شده، مخاطبان باید مدیریت شود. سوالاتی در ذهن اولیا باید بوجود آید. چه مخاطبان اینترنتی دارد؟ دوستان در اینترنت چه کار می کنند؟ آیا عکس و... در اینترنت انتشار می یابد. بنابراین بهتر است با تغییر آگاهانه. عالمانه. با دقت. با صبر و حوصله به دور از عجله و اصل تدریج، فناوری را در محیط خانه مدیریت شود. اگر گفتمان منطق در خانواده ها حاکم باشد به راحتی می توان بحرانها را مدیریت نمود. می توان محدودیت زمانی استفاده از فناوری موجود را ابتدا گوشزد نمود. مثلاً ساعت زمان دار را روی سی دقیقه قرار دهیم. تازنگ بزند و به محض پایان استفاده از کامپیوتر یا لب تاب یا تبلت و تلفن همراه اورا تشویق کنیم.

۲،۳،۲،۳ جایگزینی

با افزایش فرزندان، ایجاد تفریحات سالم، تاکید بر تربیت دینی جایگزینی برای این فناوری هادر محیط خانه بوجود آید. از محدودیت شدید بپرهیزیم چون وقتی آنها را از تلویزیون، کامپیوتر، تلفن همراه و وسایل تفریحی محروم می کنیم دیگر حربه ای در دست نخواهیم داشت و در برابر آنها دست بسته هستیم.

۲،۳،۲،۴ مسئولیت پذیری و الگوسازی

والدین با اقتدار همراه با صمیمیت و خدامحوری با توجه به ممنوعیت گناه می توان در این زمینه الگو بود. اصل مسئولیت پذیری هم در تهیه و تدارک و استفاده از این فناوری ها در محیط خانه باید رعایت شود.

۲،۴ تربیت مدرسه ای

پس از کانون مقدس خانواده مهم ترین رکنی که در امر هدایت انسانها اثری تعیین کننده دارد، اجتماع است. اگرچه در مباحث علوم اجتماعی در برخی تفکرها اصالت رابه فرد داده اند وعده ای جمع را اصل دانسته اند لیکن باید گفت هم فرد و هم جامعه بر یکدیگر اثر می گذارند. یعنی در عین حال که فرد می تواند جامعه ای را متحول کند، جامعه نیز در تعیین و تغییر تفکر و منش انسانها نقش بسزایی دارد از این روست که قرآن در خصوص روش و منش هدایت پیامبر اسلام (ص) چنین می فرماید: «وانذر عشیرتک الاقربین؛ خویشاوندان نزدیکت را بترسان» قرآن کریم در جای دیگری با مهم شمردن مسئولیت گروهی در مقابل دیگران بر کسب علم و دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را آگاه کنند، باشد که ارزش کاری دوری جویند» (توبه، ۱۲۲). مریبان در آموزش اگرچه موفق اندولی در پرورش به یک سردرگمی رسیده

اند و قدرت نفوذ آنها خیلی کم شده است. ولی می توان این نفوذ را احیا کرد. مدرسه را می توان آخرین سنگری دانست که نسل آینده را حفظ می کند. معلمان روزبه روز نقش خود را کم اثرتر می دانند و می بینند و جایگاه آنان نسبت به گذشته خیلی افت داشته است. معلمان نباید نامیدانه آموزش دهند. مربی رسانه ای باشند که تربیت رسانه ای را هدایت می نماید. مربی رسانه ای در فضای آموزشی، مربی رسانه ای را هدایت می نماید. تا از این فناوری به نحو مطلوب استفاده نماید. تربیت مدرسه ای جایگاه خود را بدست آورد. و در مقابل تربیت خانوادگی قرار نگیرد. تربیتی را شامل شود که هدف الهی داشته و برای تربیت انسان کامل باشد. انسانی که با پول خریداری نشود. یعنی روح آموزش و پرورش مبتنی بر اقتصاد نباشد. اگر اصل بر اقتصاد باشد فرار مغزها رویه ای آسان است. آموزش و پرورش نمی تواند خود را از تاثیرات و تکنولوژی شبکه های اجتماعی دور نگهدارد. بنابراین مدرسه با فرهنگ سازی، ایجاد نشاط و آرامش و پرهیز از خشونت، تحقیر، توهین و تبعیض با ارائه الگوهای مناسب می تواند دانش آموزان را در این راه هدایت نماید. بنابراین تاکید معلمان بر این است که دانش آموزان به والدین احسان کنند و تاکید والدین بر این است که دانش آموزان به معلمان احترام بگذارند.

۳. نتیجه گیری

امروزه فناوری اطلاعات دارای آن چنان پتانیل حضور در عرصه های مختلف حیات بشر است که بدون تردید می توان آن را نماد یک تمدن جدید یا ظهور یک موج تمدنی جدید دانست. پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی دانش آموزان باعث خلاقیت و نوآوری می شود و یادگیری دانش آموزان جهت دار و مداوم می شود. از فواید این تکنولوژی این است که دانش آموز با دسترسی به فضای مجازی به اطلاعات انبوه رسیده و با استفاده از منابع علمی مختلف می تواند یافته های خود را در جهت حل مسایل و مشکلات زندگی خود و جامعه به کار برد. ولی در عصر اطلاعات تربیت خانوادگی و در کنار آن تربیت مدرسه ای و نقش والای معلم و تربیتی که از همسالان و اجتماع دریافت می شد کم رنگ شده است و تربیت خانوادگی در این بین مظلوم واقع شده است و تربیت رسانه ای جایگزین آن تنگ کرده است. باید دانش آموزان را هدایت نمود که از رسانه های موجود استفاده صحیح و اصولی انجام دهند تا جایگاه خانواده و مدرسه و همسالان حفظ شود. تربیتی را رسانه ای می گویند چون بازیگران آن رسانه ها هستند. رسانه های مفید و مخربی که در گذشته نبوده اند و در جامعه کنونی رقیب گردن کلفتی در برابر تربیت خانواده و مدرسه و اجتماع خود نمایی می کنند. تربیت رسانه ای شامل عکس، فیلم، خبر، تبلیغات، سرگرمی و بازی، اینترنت، تبلیغات و مدو... می شود که کودکان را درگیر نموده است. برخی آسیب ها مانند گرایش غیر متعارف و افراطی به فناوری نوین، از جمله اینترنت، تلفن همراه و دیگر ابزارها، مسئله ای است که هم دامن خانواده ها و هم گریبان مدارس را گرفته است. از علل ضعف تربیتی در خانواده ها در عصر فناوری و اطلاعات، کم رنگ شدن گفتگوهای والدین با کودکان، نظارت والدین بر دوست یابی، نبودن فضای قصه گویی در خانواده ها، استقبال کم کودکان از سخنان والدین، موثر نبودن نصیحت های والدین و کم بودن سواد رسانه ای والدین می باشد. اجرای

راهکارها و روشهای موفق و تاثیرگذار در تربیت خانوادگی از جمله شاد کردن فرزندان، رفیق بودن با آنها و گوشودن زبان کودک با رعایت ادب و حیاء و کنترل روابط عاطفی امکان پذیر می باشد. می توان رسانه ها را محدود نمود البته با پیگیری و دقت در محتوای برنامه های رسانه ای و منع هوشمندانه با افزایش سواد رسانه ای و جامعه پذیری. هر چند روشهای تربیتی اسلامی مانند تشویق، موعظه و نصیحت، امر و نهی تاثیر مثبت دارد.

پیشنهادهای

آموزشهای لازم را برای اولیای دانش آموزان از طریق رسانه های گروهی و مدرسه بیشتر شود. تا نقش الگویی والدین کم رنگ نشود و با پیگیری، نظارت، کنترل و افزایش سواد رسانه ای تربیت رسانه ای را هدایت نمود و از طرفی معلمان با شرکت در دوره های ضمن خدمت مهارتهای لازم برای پاسخگویی به سوالات دانش آموزان را داشته باشند. در این میان نقش مشاوران و مربیان پرورشی در مدارس برای هدایت دانش آموزان در استفاده بهتر از رسانه ها می تواند کارساز باشد با تشکیل جلسات، نوشتن پیام و جلسات پرسش و پاسخ می توانند به نیاز دانش آموزان پاسخ دهند و آنها را هدایت نمایند. خانواده ها برای پیشگیری و یاهدایت فضای مجازی فرزندان می توانند با روش الگویی، تمرین، بازخورد، دادن فرصت، تقویت متناوب برای آموزش مهارتهای اجتماعی آنها کوشش نمایند. و از ارائه دستورات مبهم، کلی و تکراری اجتناب نموده به جای سخنرانی و بحث و جدل، کوتاه و مؤثر با لحنی محکم ولی در کمال آرامش به او گوشزد کرده به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی، اجتماعی، اقتصادی فرزندان بیشتر توجه کنند. سعی کنند فرصتی را ایجاد کنند تا کودکان بتوانند نسبت به رفتارهای نامناسب خود فکر کنند. با تقویت ارتباط خود با مدرسه و مسؤولان برای شنیدن مسائل و مشکلات فرزندان وقت گذاری نمایند. با خودداری از مقایسه، سرزنش، تحقیر، توهین و تنبیه می توانند از محروم سازی های کوتاه مدت استفاده نمایند. استفاده دانش آموزان از اینترنت در مدرسه به عنوان ابزار توسعه افکار و اندیشه ها باید کنترل شود و با نظارت صحیح مربیان صورت گیرد. اگر دانش آموزان اطلاعات کافی در این مورد داشته باشند دچار مشکلات اجتماعی و مالی نمی شوند. از نتایج توسعه فناوری، القا ناهنجاریهای اخلاقی پخش شایعات و اخبار کذب، نقض حریم خصوصی، پخش تصاویر در اینترنت، اتلاف زمان و تاثیر غیر مستقیم بر روی مخاطبین آن دارد که باید برای مقابله با آنها چاره ای اندیشیده شود. نقش آموزش و تبلیغات از طرف رسانه ها و نمایش های خانگی در استفاده صحیح از فناوری های موجود تعیین کننده می باشد. فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آنها به قدری سریع توسعه می یابد که معلمان مجبورند خود را با آنها و تجهیزات روزآمدنگه دارند. پس نظام آموزشی باید معلمان را به روشهای جدید تدریس، فراگیری مهارتهای جدید همراه با فناوری تشویق نماید و دوره های مختلف ضمن خدمت را برگزار کند. تا پاسخگوی هر چه بهترین دانش آموزان عصر اطلاعات باشد.

منابع

- پورعابدی نایینی، سیدحسن (۱۳۸۸). *اثر بازی های ویدیوئی و رایانه ای بر کودکان*، تهران: جوانه رشد.
- حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۹۱). *روش های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام*، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- دانکن، گری (۱۳۸۳). *«اینترنت در مدرسه»*. ناخدا، مریم، موسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- ذوفن، شهناز (۱۳۸۶). *کاربرد فناوریهای جدید در آموزش*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- سرکار آرانی، محمد رضا (۱۳۸۳). *یادگیری راهی به سوی پرکردن شکاف دیجیتالی*، موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- فرج الهی، مهرا، زارع، حسین، هرمزی، محمود، سرمدی، محمدرضا، ظریف، ناهید (۱۳۹۰). *یادگیری از دور در عصر اطلاعات و ارتباطات*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- کلین کلارک، روت، ای. میر، ریچارد. (۱۹۴۷). *یادگیری الکترونیکی و علم آموزش*. ترجمه: داود کریم زادگان مقدم، زهرا جلال زاده (۱۳۸۸). تهران: دانشگاه پیام نور.
- معتمدی، وحید (۱۳۹۳). *«تاثیر کاربرد رایانه در پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان»*. رشد تکنولوژی آموزشی دوره ۳۰، ش ۲۴۶، صص ۱۲-۱۴.
- قرایی مقدم، امان الله (۱۳۷۵). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، کتابخانه فروردین.
- تقوی، نعمت الله (۱۳۷۶). *جامعه شناسی خانواده*، دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- ایور موریش، (۱۳۷۳). *درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: نشر دانشگاهی.
- و. هیل، مایکل (۱۳۸۱). *تاثیر اطلاعات بر جامعه*، ترجمه محسن نوکاریزی، تهران: نشر چاپار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی